

بررسی احکام سقط جنین از منظر فقه و تربیت*

□ محمد احسانی**

چکیده

«سقط جنین» از مسائل پیچیده و دارای ابعاد مختلف فقهی، حقوقی، اخلاقی و تربیتی است که از هر بُعدی، نیازه بررسی مستقل دارد. فقه و تربیت اسلامی، باتکیه بر آیات و روایات، به تمام پرسش‌ها در این زمینه پاسخ گفته و همه زوایای آن را روشن کرده است. با وجود تعیین کیفی‌های سنگین در فقه برای سقط کننده، شیوع «سقط جنین» از جمله مسائل مشکل آفرین در جامعه امروزی است. گزارش‌های آماری حاکی از افزایش این پدیده در جهان، کشورهای مسلمان و حتی جمهوری اسلامی ایران است. پیامدهای منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی این کار، بیش از آن چیزی است که در ذهن تبادر کند. هدف از بررسی احکام فقهی «سقط جنین» با رویکرد تربیتی، هدایت خانواده‌ها به سمت ریشه کن کردن آن، از جامعه دینی است که این کار، با روش استنادی-استنباطی، به سامان رسیده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در فقه اسلامی، از روش انذار و تنبیه در بیان احکام «سقط جنین» استفاده شده و اگر این احکام در خانه و مدرسه حتی از سنین کودکی و نوجوانی به فرزندان و نسل جوان ارائه شود، در پیش‌گیری از این رویداد نامیمون به لحاظ فقهی و تربیتی تأثیری بسزا دارد. واژگان کلیدی: احکام، سقط جنین، فقه، تربیت، سقط جنایی، سقط درمانی.

مقدمه

دوره جنینی از دوره‌های سرنوشت‌ساز در حیات انسانی است، به نوعی که آینده آدمی، از

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷.

** گروه اخلاق و تربیت اسلامی، پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، افغانستان:

جهاتی وابسته به آن دوره است. سلامت جسمی و روانی، تاحدودی مبتنی بر سپری کردن درست دوره جنینی است و هرگاه جنین هنگام طی این دوره در رحم مادر آسیب ببیند، در مان آن مشکل یا غیر ممکن خواهد بود. چنان که مشاهدات میدانی در میان مردم و به خصوص مراکز بهزیستی کشورها، این موضوع را به اثبات می‌رساند (معزی، ۱۳۹۹: ص ۴۷-۵۸)؛ چراکه بخش عظیمی از ساکنان مراکز بهزیستی دنیا، معلولهای مادر زادی هستند (همان)، بدین سان، جنین شناسی و حفاظت کامل از آن در مقابل آسیب‌های فیزیکی و روانی، در نگرش فقه و تربیت اسلامی اهمیت ویژه دارد. چون انسان از آغاز انعقاد نطفه تا زمانی که در دنیا زندگی می‌کند و حتی بعد از مردن ارزشمند است و کسی حق ضرر زدن و اهانت به او را ندارد.

با این حال، مطالعات خبرنامه‌ها و گزارش‌های رسانه‌ای (نت) حاکی از آن است که امروزه «سقط جنین»، در جوامع مختلف از جمله ایران، رواج یافته و زنان باهر بهانه‌ای و گاه باموافقت مردان اقدام به این کار می‌کنند. مشکل فقهی، تربیتی و اجتماعی شیوع «سقط جنین» در جامعه که هر سال آمار تکان دهنده از آن منتشر می‌شود، مسئله تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

پیشینه تحقیق، دامنه دراز و گسترده دارد و بحث «سقط جنین» و احکام فقهی مربوط به آن، از دیرزمان در همه مراکز علمی و پژوهشی جهان، مطرح بوده و در این مورد آثار متعددی تدوین شده است. از باب نمونه مجموعه «کتابهای فقه تربیتی» تألیف آیت الله اعرافی (جلد ۱-۲۴)؛ تعامل فقه و تربیت» علی‌همت بناری (۱۳۸۸)؛ برخی مقالات چاپ شده در مجله «مطالعات فقه تربیتی» و مانند آن، در این زمینه بحث کرده‌اند؛ البته با بررسی به عمل آمده، روشن شد که کنکاش در موضوع حاضر از زاویه مشترک فقهی و تربیتی مورد غفلت محققان قرار گرفته و کاری در این زمینه انجام نشده است. از این رو، ضرورت تحقیق در این زمینه روشن است و مقاله حاضر در صدد است، ضمن بررسی احکام فقهی «سقط جنین»، آن را از منظر تربیت نیز، بازبینی و بررسی نماید.

بنابراین، سوال اصلی پژوهش این است که چگونه احکام فقهی «سقط جنین»، با نگاه تربیتی قابل بررسی است؟ سوال‌های فرعی به دست آمده از پرسش اصلی، به شرح زیر می‌باشد:

۱. احکام فقهی «سقط جنین» چیست؟
۲. گونه‌های «سقط جنین» کدامند؟
۳. مقدار دیه

«سقط جنین» چه اندازه است؟ ۴. آیا از نظر فقهی «سقط جنین» جایز وجود دارد؟ ۵. چگونه می‌توان این احکام فقهی را از نظر تربیتی تبیین و تحلیل کرد؟

محقق، ضمن پاسخ به پرسشهای اصلی و فرعی تحقیق، تلاش دارد با واکاوی احکام فقهی «سقط جنین» و بررسی تربیتی آن، به منظور جلوگیری از این امر ناپسند، نتایج کاربردی قابل استفاده برای خانواده‌ها و جامعه امروزی، عرضه نماید. در این مقاله، احکام فقهی «جنین» و آسیب‌های انسانی، روانی و اجتماعی ناشی از آن، بانگاه تربیتی بررسی و به مخاطبان ارائه می‌گردد. این پژوهش باروش استنادی-استنباطی براساس منابع فقه اسلامی، در حوزه برداشت‌ها و یافته‌های علوم تربیتی به انجام می‌رسد.

مفهوم‌شناسی

با نظر به اهمیت و ابهام معنایی برخی مفاهیم کلیدی تحقیق، لازم است مقصود از هر کدام به اختصار، توضیح داده شود تا ضمن روشن شدن مقصود از آن، به ارائه مطالب نیز، کمک کند؛ علاوه بر این، مخاطبان بتوانند بادرک بهتر از مطالب مندرج در مقاله، محتوای آن را دریافت نمایند. احکام، فقه و «سقط جنین» از جمله واژگانی هستند که تا حدودی نیاز به تعریف دارند و در این قسمت، به آنها اشاره می‌شود.

احکام

در شریعت اسلام، هر قانون الهی که وظیفه فرد واجد شرایط تکلیف را بیان کند، «حکم فقهی» نامیده می‌شود (مطهری، بی تا: ص ۵۴). از این رو، هر حکم فقهی، مشخص کننده وظیفه‌ای است که خداوند در مورد هریک از کارهای بندگان، انجام آن را از آنها می‌خواهد. منظور از احکام، به صورت هیأت جمع، احکام پندگانه اسلام است که عبارتند از: «واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح». این احکام، با اجتماع شروط تکلیف، شامل همه افراد انسان است و هرکس باید به آنها عمل کند. مقصود از هر کدام «احکام خمس» و نیز، مصادیق آن، در منابع فقهی، به تفصیل بیان شده که در اینجا نیازی به توضیح آنها نیست.

فقه

کلمه «فقه»، در کتب لغت به معنای مطلق فهم و درک چیزی و نیز، عالم و فقیه بودن، آمده است (معین، ۱۳۸۷: ص ۷۳۴). «فقه»، به مرور زمان در کاربردهای خود با محدودیتهایی مواجه شد و اغلب، در خصوص علم به شریعت اسلامی و شناخت حلال و حرام الهی که در منابع اسلامی بیان شده، به کار رفت (علیدوست، ۱۳۹۰: ص ۶۶). از منابع واژه شناسی و کاربردهای فقه، برمی آید که این کلمه به فهم عمیق همراه با تعقل و استنباط اطلاق می شود. چنان که این معنا از کاربرد مشتقات فقه در قرآن نیز، استفاده می شود: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه: ۱۳۲) گروهی از اصحاب در مدینه بمانند تا از دین (ومعارف و احکام اسلام) آگاهی یابند. فقه در اصطلاح، به دو معنا به کار رفته: اول؛ شناخت عمیق دین و دوم؛ شناخت عمیق احکام دین. فقه به معنای دوم، باروش اجتهادی، مبتنی بر ادله فقهی و استنباط احکام شرعی حاصل می شود (اعرافی، ۱۳۹۱: ۳۶/۱). منظور از فقه در این جا، احکام فقه است که به وسیله فقیهان استنباط و در مورد «سقط جنین» بیان شده است، نه استخراج احکام از ادله فقهی که کاری فراتر از این مقاله است.

تربیت

قطع نظر از ریشه یابی لغوی «تربیت» که در بسیاری از کتاب های تربیتی، به تفصیل بیان شده است (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱/۱۱۸)، «تربیت» در اصطلاح، عبارت است از «مجموعه فعالیت های منظم و هدف مند که مربی در فرایند تربیت متربی ارائه می دهد تا تغییرات مطلوب در جهت کمالات مادی و معنوی وی ایجاد گردد» (احسانی، ۱۴۰۲: ۲۷) عنصر اصلی در این تعریف ایجاد «تغییر مطلوب» در متربی است که به منظور دگرسازی تربیت جو، در اثر فعالیت های تربیتی مربی، ایجاد می شود تا مفهوم اصطلاحی تربیت واقعاً محقق گردد (اعرافی: همان، ص ۲۲۴). البته مربی با تمام تلاش هایی که انجام می دهد، زمینه ساز تربیت است و تصمیم گیرنده اصلی خود متربی است، چون او موجود صاحب اراده و اختیار است (کاردان، ۱۳۸۴: ۴۸۱/۱).

سقط جنین

واژه «جنین» در لغت، به معنای هر چیز پوشیده و نامرئی آمده است؛ برپچه انسان در شکم

مادر نیز، جنین اطلاق می‌شود؛ چون در رحم مادر مستور و پنهان است (فراهیدی، ۱۴۰۵ق: ذیل کلمه «جن»). کلمه «جنین» در کتب فقهی برابر با «حمل» به کار می‌رود (خویی، بی‌تا: ۵۲۱/۲). در علوم زیستی و جنین‌شناسی، به موجودی حاصل از «لقاح»، از سه تا هشت هفتگی «رویانه» و پس از هشت هفتگی تا زمان تولد، «جنین» گفته می‌شود (سلطانی، ۱۳۵۶: ۶/۱). منظور از «جنین» در این مقاله، همان چیزی است که هم در منابع لغت، هم در فقه و حقوق و هم در عرف جامعه به ذهن تبادر می‌کند؛ یعنی بچه‌ای که از آغاز انعقاد نطفه تا زمان تولد، در رحم مادر قرار دارد و مراحل مختلفی را طی می‌کند تا به دنیا می‌آید، جنین نامیده می‌شود. امام صادق علیه السلام در روایتی توضیح مناسبی در مورد جنین ارائه داده می‌فرماید: «وَهُوَ مَحْجُوبٌ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ: ظُلْمَةِ الْبَطْنِ وَ ظُلْمَةِ الرَّحِمِ وَ ظُلْمَةِ الْمَشِيمَةِ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۳۶۰). جنین در رحم مادر، در سه تاریکی پوشیده شده است: شکم، رحم و بچه دان. جنین در رحم مادر از نظر قرآن، مراحل طی می‌کند تا به مرحله تولد می‌رسد (مؤمنون: ۱۴).

«سقط» به معنای انداختن و افتادن آمده، هرگاه چیزی را به زمین بیندازد یا از بالا بیفتد، گویند سقط شده، یعنی افتاده است. برخی نوشته‌اند: سقط جنین، یعنی پایان حاملگی قبل از اینکه جنین قابلیت زنده ماندن در خارج از محیط رحم را داشته باشد (المدنی، ۱۳۹۳: ۳). «سقط جنین» به همین معنا که جنین از رحم مادر بیفتد یا بیندازد، مدنظر است و وقتی گفته می‌شود: «سَقَطَ الْجَنِينُ»، یعنی بچه افتاده است. در زبان عربی «سقط جنین» با عناوینی همچون إجهاض، إسقاط، إلقاء، طرح و إملاص بیان شده است (طریحی، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۳۳؛ فیومی، ۱۴۰۵: ۱۱۳). البته واژه إجهاض، به معنای سقط خود به خودی و کلمه إسقاط، بر سقط به واسطه مادر یا شخص دیگر، اطلاق می‌شود (انصاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۰۷).

اهمیت بررسی احکام فقهی سقط جنین

اهمیت احکام فقهی «سقط جنین» و تبیین منطقی آن از نظر فقه و تربیت برای عموم مخاطبان و مخصوصاً خانواده‌ها و طبقه زنان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. زیرا ۱. موجب آگاهی بخشی مردم، درباره این است که از بین بردن جنین بعد از انعقاد نطفه، به هیچ وجه جایز

نیست و عملی است مذموم که کسی نباید مرتکب آن شود. ۲. این کار، به معنی نابود کردن انسان است که خداوند به او کرامت داده و این کرامت، باید از ابتدای شکل‌گیری نطفه در رحم مادر تا آخر عمرش رعایت گردد. ۳. «سقط جنین»، یک نوع ظلم به انسانیت و قتل نفس محترمه است و به تصریح قرآن کریم، به منزله کشتن همه انسانها است که به لحاظ فقهی حرام است (موسوعة الفقهیه، ۱۴۲۳ق: ۵ / ۳۹۴). خداوند می‌فرماید: «أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (ماید: ۳۲) هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یافساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است؛ جنین از نظر اسلام، انسانی در حال رشد است و به هر اندازه زمان بگذرد، همان اندازه رشد می‌کند و مفهوم انسان بر او صادق است و اگر کسی او را بکشد، گویی همه انسانها را کشته است (حسینی، ۱۳۶۳: ۳ / ۷۱). ۴. بررسی این موضوع، از دیدگاه فقهی باتبیین تربیتی و آگاه‌سازی مادران از وظایف آنها نسبت به حفاظت جنین، سبب می‌شود تا با تبیین احکام شرعی مربوط به لزوم حفاظت از جنین و نیز، به پشتوانه برانگیختن عواطف و احساسات مادری زمینه‌ای فراهم شود که کسی قصوراً یا تقصیراً آسیبی به جنین وارد نسازد.

کاربرد بررسی احکام سقط جنین

هرچند بررسی احکام «سقط جنین» از منظر فقه و تربیت، می‌تواند کاربردهای متعدد از جمله در زمینه حقوقی، قضایی، سیاسی، اجتماعی و تربیتی داشته باشد که به همه آنها نمی‌توان پرداخت و در این جا تنها به دو کاربرد کلی در جهان مدرن امروز، در قلمروی نظری و عملی، به صورت فشرده اشاره می‌گردد.

کاربرد نظری و تربیتی

جنین‌شناسی، از موضوعات مهم و پُرکاربرد در جوامع بشری و مراکز علمی دنیاست که اندیشمندان و پژوهشگران برجسته از جهات مختلف در این زمینه، مشغول فعالیت و تحقیق هستند. شناخت جنین، گذشته از اینکه برای پژوهشگر یک دست آورد علمی شمرده می‌شود، تبیین آن برای دیگران نیز، به لحاظ فقهی و علمی فوایدی به همراه دارد؛ سیرت‌کوینی جنین

به لحاظ علمی و قرآنی دارای مراحل گوناگون بیان شده که شگفتی‌هایی دارد و در گذر زمان، ابعاد جدیدی در آن روشن می‌شود. تفکر در اینکه اعضای بدن جنین چگونه یکی پس از دیگری آفریده می‌شود، سیستم سلولی چطور شکل می‌گیرد، دستگاه گوارشی و تنفسی چگونه ایجاد می‌گردد، قلب، مغز و امثال آن چگونه تشکیل می‌شود و هر کدام به لحاظ زمانی و موضعی فرایند تکاملی خود را چگونه می‌پیمایند؟، مطالعه و بررسی فقهی و علمی دقیق در این زمینه را می‌طلبد؛ به عنوان مثال، اینکه احکام فقهی از چه زمانی، متوجه پدر و مادر است و آنها چه وظایفی نسبت به حراست از آن دارند، از کاربردهای تحقیق است. آن‌گونه که فقها در فقه بیان کرده‌اند، و الدین به عنوان متولیان و حافظان مستقیم جنین، از حین انعقاد نطفه عهده دار حفاظت از آن هستند (KHAMENEI.IR).

در مجموع بررسی موضوع جنین‌شناسی از منظر فقه و تربیت، به این نکته علمی رهنمون می‌سازد که هرکس باید به مراحل اولیه وجودی خود بیندیشد و بداند که خداوند چه لطف و عنایتی به او داشته تا از مرحله نطفه به مرحله رشد و جوانی رسیده و همواره بایستی شکرگزار خالق خویش باشد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: ۲۱) در وجود خود شما (آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟ چرا در آن تدبیر و تأمل نمی‌کنید؟ بنابراین، بررسی فقهی و تربیتی اصل آفرینش جنین و مراحل تکاملی آنکه یک جهت علمی دارد، به نحوی که بررسی ابعاد مختلف مرتبط با موضوع به لحاظ فقهی و تربیتی ابعاد قابل توجه موضوع را روشن می‌کند، آگاهی از وظایف فقهی و تربیتی والدین و بستگان را در برابر جنین افزایش داده و متوجه مسئولیت خویش می‌کند که باید به وظیفه فقهی خود عمل نمایند.

کاربرد رفتاری و فقهی

کاربرد عملی بررسی احکام «سقط جنین» از نظر فقه و تربیت، به این است که مخاطب بحث احکام فقهی «سقط جنین»، در واقع خانواده‌ها و در حقیقت، طبقه زنان و مادران هستند؛ چون آنها مستقیماً مسئول حفظ و حراست از جنین می‌باشند. از نظر تربیتی، مخصوصاً مادر باید حافظ جنین باشد و سعی کند در دوره حاملگی، آسیبی به او وارد نشود. چون او مسئول حفاظت

و امنیت کلی خانواده شوهر است (صحیح مسلم، ۱۳۳۴ق: ۳/۱۴۵۹، ح ۲۰).^۱ بنابراین، هرچند در چنین پژوهشهایی، جنین موضوع بحث احکام فقهی است، ولی در حقیقت، وظیفه‌ای متوجه او نیست تا مورد خطاب فقه و فقها قرار گیرد، بلکه از لحاظ فقهی، پدر و مادر و خانواده مخاطب اصلی احکام فقهی می‌باشند که وظایف مختلفی در ارتباط با جنین به عهده دارند. بدین معنا که با وجود جنین، از نظر فقهی والدین چه وظایفی در زمینه نگهداری وی دارند و باید به آن عمل نمایند (نجفی، بی تا: ۳۱/۲۸۳)؛ البته معلوم است که بان بود جنین، موضوعی برای حکم فقهی وجود نخواهد داشت، تا براساس آن، فتوایی صادر گردد. از باب مثال، دستورات فقهی ذکر شده در فقه و روایات اسلامی درباره تغذیه و بهداشت مادر در دوره حاملگی، ناظر به سلامت جسمی، روحی، عقلانی، عاطفی و... جنین است و با بررسی فقهی و تربیتی، تأثیرگذاری عمل به این احکام در شکل‌گیری و سلامت جسمی و روحی کودک روشن می‌شود.

بنابراین، تمام احکام فقهی دوره جنینی، متوجه والدین و دیگر اعضای خانواده است که با وجود شکل‌گیری جنین، موضوع احکام فقهی پیدامی‌شود و کارکرد آن تأمین سلامت جسمی و معنوی جنین می‌باشد تا سالم به دنیا بیاید و در نتیجه یک انسان سالم و مفید برای خود، خانواده و جامعه پرورش یابد. بنابراین، کاربرد بررسی فقهی و تربیتی احکام فقهی «سقط جنین» از نظر عملی و رفتاری این است که ضمن بررسی زوایای پنهان موضوع و رفع ابهامات، متصدیان امور جنین در عمل، به رعایت آن احکام متعهد باشند.

رویکردهای فقهی به سقط جنین

در مورد «سقط جنین» و جواز و عدم جواز آن، دیدگاه‌های متفاوتی در فقه وجود دارد و صاحب نظران براساس مبانی نظری خود، به ابراز نظر در این زمینه پرداخته‌اند. در این جا به سه دیدگاه و رویکرد نظری و فقهی که در موضوع «سقط جنین» از دیدگاه فقه ابراز شده، با رعایت اختصار اشاره می‌گردد.

۱. «وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِمْ وَهِيَ مَسْؤُولَةٌ عَنْهُمْ» زن، سرپرست خانه و فرزندان شوهر خود است و درباره آنها باید پاسخ دهد.

۱. نظریه فقهی حرمت مطلق «سقط جنین»

نظریه نخست در باب «سقط جنین»، به حرمت و منع «سقط جنین» به طور مطلق قائل است؛ پس در هیچ شرایطی و حتی زمان به خطر افتادن جان مادر، کسی حق ندارد جنین را از بین ببرد؛ چون هیچ رجحان شرعی نسبت به حفظ جان مادر، وجود ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۸/۲)؛ بعضی از فقهای معاصر نیز، به این نظریه فتوا داده‌اند (فیاض، ۱۳۹۳: ۸۱۶). از این نظر، «سقط جنین» نوعی آدم کشی تلقی می‌شود و در هیچ شرایطی مجاز نیست؛ چون حیات، یک موهبت الهی است و کسی حق ندارد آن را از هیچ انسانی، سلب کند (پالمر، ۱۳۸۹: ۹۴). به لحاظ اخلاقی و پزشکی هم جنین از زمان انعقاد نطفه، یک موجود زنده محسوب می‌شود و احدی، نباید این حیات را، از او بگیرد (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۵۴-۱۵۱).

نقد نظریه

این دیدگاه، اجمالاً درست است و حرمت «سقط جنین» از نظر اسلام و قرآن و نظرات فقها و مخصوصاً علمای شیعی مورد تأیید می‌باشد (الموسوعه الفقهیه؛ ۱۴۲۳ق: ۳۹۴/۵)، ولی طبق فتاوی‌ای برخی از فقها در موارد خاص از جمله قبل از دمیدن روح، در صورت به خطر افتادن حیات مادر یا ناقص به دنیا آمدن جنین، حرمتی ندارد، بلکه جایز شمرده شده است (خامنه‌ای، ۱۴۱۵: ۶۶/۲).

۲. نظریه جواز مطلق «سقط جنین»

این نظریه مبتنی بر این اندیشه است که جنین جزو بدن مادر شمرده می‌شود و مادر برای تصرف اعضای خود صاحب اختیار است. از این رو، مادر می‌تواند هرگونه تصرفی در اعضای بدن خود داشته باشد و بدین جهت اسقاط جنین نیز، در اراده و اختیار او قرار دارد (عبدی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). از این نظر، مادر می‌تواند نسبت به بخشی از بدنش که جنین است، اعمال قدرت کند و با اراده و اختیار خود او را از بین ببرد؛ یعنی مادر بدون محدودیت، از آغاز شکل‌گیری جنین تا تولد، هر زمان که بخواهد می‌تواند آن را اسقاط کند یا نگهدارد (پالمر، ۱۳۸۹: ۱۰۱). این نظریه، در فرهنگ غرب مطرح شد و مبنای آن، آزادی مطلق است که زن را در انجام هرکاری، آزاد و صاحب اختیار تلقی می‌کند و جایگاهی در فقه اسلامی، ندارد (تراهی، ۱۳۸۶: ۲۲۳-۲۵۷). در

عین حال، به عنوان یک نظریه جای طرح دارد که مخاطبان از چنین دیدگاه بی پایه و اساسی اطلاع پیدا کنند و خود در مورد صحت و بطلان آن قضاوت نمایند.

نقد نظریه

این نظریه از دو جهت مبنا و بنا هر دو مردود است و هیچ توجیهی برای صحت آن وجود ندارد. از نظر مبنا ادعای آزادی مطلق زن، در تصرفات شخصی و حتی نسبت به خود و اعضای بدنش درست نیست، بلکه هرکس، اعم از زن و مرد، از نظر فقهی همراه با محدودیت است و در تصرفات جسمی، صاحب اختیار مطلق نیست (اسلامی، ۱۴۰۱)؛ علت آن نیز، این است که از منظر فقه اسلامی، هیچ انسانی حق ندارد به نفس یا اعضای بدن خود، ضرر وارد کند و یادیگران را بر خود مسلط نماید؛ چون این کار خلاف عقل، فطرت، منطق، فقه و عرف جامعه اسلامی است (حمیدی، ۱۳۹۹). بنابراین، نظریه جواز مطلق «سقط جنین»، آن گونه که فرهنگ غرب از آن حمایت می کند، اولاً؛ مبتنی بر بنیاد سُست و بی اساس است که هیچ دلیلی ندارد و ثانیاً؛ از جهت بنایی آن، که تجویز از بین بردن جنین است، به اتفاق فقها و علمای اسلام حرام است (صافی، ۱۴۱۵: ۶۵-۶۶).

۳. نظریه فقهی جواز نسبی «سقط جنین»

نظریه فقهی جواز نسبی یا دیدگاه اعتدال در موضوع «سقط جنین»، قابل قبول است؛ چرا که در این نظریه، بین دیدگاه اکثر فقها مبنی بر حرمت مطلق و جواز در موارد اقتضای ضرورت جمع شده است. این دیدگاه، در حقیقت نظریه اسلام است که «سقط جنین» را به طور کل حرام دانسته (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵/۲۵۱)، ولی تنها در برخی موارد، قائل به استثنا شده است. از باب نمونه، به نظر اغلب فقهای شیعه، سقط پیش از دمیدن روح در جنین، در صورت به خطر افتادن حیات مادر یا ناقص الخلقه به دنیا آمدن جنین، جایز است و مانعی ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳/۲۹۱؛ آیت الله خامنه ای، ۱۴۱۵: ۶۶). زیرا در این مورد، حفظ حیات مادر، بر حفظ جنینی که فعلاً (قبل از چهار ماه) فاقد حیات است، اولویت دارد و برای نجات جان مادر، می توان جنین را، اسقاط کرد (تبریزی، ۱۴۱۶: ۱/۳۳۲). همچنین در فرض ناقص متولد شدن کودک که بعد

ازتولد، موجب عسر حرج شدید والدین می‌شود، در صورت تشخیص یقینی متخصصان، قبل از دمیدن روح، سقط آن به لحاظ فقهی جایز است (مکارم، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۹۳). اما در غیر موارد استثنا، فتوای فقهای اسلامی حتی قبل از دمیدن روح به کالبد جنین، عدم جواز سقط است.

مراحل شکل‌گیری جنین در قرآن

«جنین» به لحاظ شکل‌گیری و مراحل‌ی که از انعقاد نطفه تا تولد طی می‌کند و در قرآن و علوم جدید بیان شده، از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. این موضوع در علوم پزشکی، علم ژنتیک، منابع فقهی و مانند آن به تفصیل بیان شده، ولی به نظر می‌رسد هويت جنین و مراحل رشد آن بیش از هر منبعی، به صورت دقیق و قابل فهم در قرآن کریم ذکر شده که در این جا با استناد به آیات قرآن، به آن اشاره می‌شود. در آیات متعدد قرآن، از مراحل شکل‌گیری وجود انسان سخن رفته، ولی به شکل کامل‌تر آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، ۱۱ بیش از همه، به این موضوع پرداخته است. در این آیات، هشت مرحله از عصاره گِل تا «خَلْقاً آخِر» برای حیات جنینی بیان شده که هر کدام، مترتب بر مرحله قبلی است. از این آیات، چنین استفاده می‌شود که تَرْتَبُ زمانی و رتبی، هر دو در این مراحل وجود دارند؛ بدین معنا که «مُضْغَةً» مثلاً به لحاظ زمان و مرتبه مقدم بر «عَلَقَةً» است و همین‌طور مراحل بعدی؛ از این رو، تا مرحله اول تکمیل نشده، نوبت به مرحله بعدی، نمی‌رسد. از آن‌جا که قرآن، به لحاظ صدور قطعی و ار نظر دلالت، بر مراحل زندگی دوران جنینی قبل از تولد قوی است، بیش از دیگر دلایل موجب اطمینان به موضوع می‌باشد.

بررسی فقهی و تربیتی

آیات مربوط به خلقت و مراحل حیات جنینی انسان، حاوی نکات فقهی و تربیتی فراوانی

۱. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» و ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم؛ سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم. سپس نطفه را به صورت علقه [خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را به صورت استخوانهایی درآوردیم و براستخوانها گوشت پوشاندیم، سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم.

هستند که هرکدام از این لحاظ، جای بررسی دارد. اولاً؛ از نظر فقهی هر مرحله از رشد جنین، دیه خاصی دارد که در صورت اسقاط، ساقط کننده باید به ورثه جنین بپردازد (فرهنگ فقه فارسی: ۱۳۸۷: ۴/۸۹). ثانیاً؛ نگاه تربیتی به مراحل رشد جنین، موجب تقویت ایمان قلبی به خدای متعال است؛ زیرا تکامل زیستی انسان از نطفه تا تولد، همواره از ضعف به کمال است و این امر، نشان دهنده علم و قدرت خدای متعال است که هر انسانی باید آن را درک کند و او را بشناسد و با تمام وجود به آفریدگارش ایمان آورد. ثالثاً؛ آیات یاد شده نشان می دهند که زندگی انسان از ضعف و ناتوانی شروع شده به کمال می رسد و این، یعنی تدریجی بودن حیات آدمی به یک اصل مهم تربیتی اشاره دارد. در تربیت هم این اصل باید همیشه مدنظر مریبان باشد و در همه مراحل، آن اصل را رعایت کنند. رابعاً؛ در آیات مختلف، به نخستین ماده خلقت آدمی، به شرح زیر اشاره شد: «سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون: ۱۲) عصاره گل؛ «مِنْ تُرَابٍ» از خاک (آل عمران: ۵۹)؛ «مِنْ طِينٍ» از گل (انعام: ۲)؛ «مِنْ طِينٍ لَازِبٍ» از گل چسبنده (صافات: ۱۱)؛ «مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» از گل خشکیده (رحمن: ۱۴)؛ «نُطْفَةٍ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ» نطفه در جایگاه استوار (مؤمنون: ۱۳)؛ «مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» از گلی سیاه و بدبو (حجر: ۲۶)؛ «مِنْ مَتْنٍ يُمْنِي» از منی (قیامت: ۳۷)؛ «مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» از آب پست (مرسلات: ۲۰)؛ «مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» از عصاره آب پست (سجده: ۸)؛ اینها مواردی هستند که در قرآن، به عنوان ماده اولیه خلقت بشر در حیات جنینی به آن اشاره شده و همگی بیانگر آن است که اساس آفرینش انسان از ماده‌ی بی‌ارزشی است که هیچ زمانی مورد توجه کسی نبوده و نیست، بلکه موجب تنفر هر فرد است.

از منظر فقه، ذکر مواد اولیه آفرینش انسان در قرآن، به مسئله فقهی طهارت و نجاست دلالت دارد که برخی آنها مانند منی، نجس و برخی دیگر مانند خاک، پاک هستند. پیام این است که سراسر حیات آدمی، از حین انعقاد نطفه تا هنگام مرگ، با طهارت و نجاست قرین است و هرکسی باید وظیفه خود را در این زمینه بداند و رعایت کند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱/۱۷). این امر، به نکته تربیتی مهمی دلالت دارد که لزوم پرهیز انسان از کبر و خودبینی در زمان رشد و قدرت و کمال انسانی است. بنابراین، با ملاحظه آیات مربوط به ماده اولیه خلقت بشر، خداوند با توجه دادن به پستی ماده اولیه خلقت، به انسان تذکر داده که نباید آن نقطه آغازین

وجودی‌اش را فراموش کند و دچار تکبر و خودخواهی گردد؛ چراکه به نوشته ملا احمد نراقی، تکبر از اعظم صفات رذیله و آفت آن بسیار و غائله آن، بی‌شمار است. (نراقی، ۱۳۹۴: ۲۴۹) خامساً؛ شکرگزاری و اطاعت خدای متعال، از نکات تربیتی آیات مراحل خلقت انسان است که توجه و عمل به آن، ضرورت دارد. خدایی که از نقطه ضعف او را به اوج قدرت و توان رسانده و همه گونه نعمت، به وی ارزانی داشته، شایسته سپاسگزاری است.

عوامل شیوع «سقط جنین» در جهان امروز

«سقط جنین» از مسائل بسیار پیچیده و دارای ابعاد مختلف فقهی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی است که تقریباً، در همه کشورهای دنیا، با میزان متفاوت وجود دارد و به صورت روز افزون، در حال گسترش است. در این جا با استفاده از برخی آمارهای رسانه‌ای و مطبوعاتی و همچنین گزارش‌های فضای مجازی، جهت اطلاع خوانندگان، به نمونه‌هایی از «سقط جنین» در جهان، اشاره می‌گردد. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، سالانه حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون «سقط جنین»، در دنیا اتفاق می‌افتد و اغلب آنها سقط عمدی و جنایی است (تسنیم) طبق آمارهای دیگری بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ میلادی، به طور متوسط، سالیانه هفت میلیون و پنجاه و پنج هزار «سقط جنین» در جهان به وقوع پیوسته است. (رشیدپورایی، ۱۳۹۹)

همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که در ایران، به طور میانگین سالانه بین ۳۵۰ تا ۵۳۰ هزار «سقط جنین» واقع می‌شود (خبرگزاری همشهری، ۱۴۰۲/۲/۳۱). طبق گزارشی، جمهوری اسلامی ایران بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ میلادی، بیشترین میزان «سقط جنین» را، در منطقه داشته و روزانه به بیش از هزار سقط، در کشور انجام شده است (رشیدپورایی، ۱۳۹۹/۵/۲۳). حتی برخی گزارشها نشان دهنده آن است که میزان «سقط جنین» در ایران، به اندازه یک سوم کل تولدهای سالانه در کشور می‌باشد (تسنیم). این گزارشها نشان‌دهنده شیوع این کار ناپسند و خلاف فقه و عرف اسلامی است.

البته آنچه شیوع بیشتر پیدا کرده و عامل نگرانی مسئولان عالی نظام اسلامی است، قسم جنایی «سقط جنین» است که عامداً اتفاق می‌افتد. این امر، عوامل مختلفی دارد که اغلب آنها

به تربیت خانوادگی دختران و زنان مربوط است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱. ضعف تربیت دینی خانوادگی نسل جوان که موجب عدم شناخت دختران و پسران نسبت به احکام و معارف اسلامی است. این ناآگاهی عامل بسیاری از جرایم مانند «سقط جنین» می‌شود و از آنجاکه آگاهی آنها درباره حلال و حرام الهی و نیز، کیفر قیامت ضعیف است، به راحتی می‌توانند دست به چنین کاری بزنند. ۲. تربیت اعتقادی قوی و محکم در پابندی به احکام اسلامی و در مقابل آن ضعف عقیده، در سستی نسبت به التزام به احکام از جمله ارتکاب «سقط جنین» نقش اساسی دارد. زیرا وقتی انسان از التزام به عقاید دینی دور باشد، انجام جنایت ولو نابود کردن جنین برای او ممکن است. ۳. نقش فضای مجازی در افزایش جرائمی همانند «سقط جنین»، روشن است؛ تهاجم فرهنگی به شیوه‌های گوناگون، به صورت مستمر ادامه دارد و طبعاً بر رفتار دختران و زنان پرورش یافته در خانواده‌های غیرمتعهد به‌دین، بیشتر تأثیر می‌گذارد. ۴. از جهت اجتماعی، فرهنگ حاکم و رایج در جامعه نیز، در میزان «سقط جنین» در کشورهای مختلف تأثیرگذار است. ۵. سرانجام هوسرانی و شهوت رانی مرد و زن، از دیگر عوامل «سقط جنین» است. برخی از مردان و زنان برای رسیدن به لذت‌های زودگذر جنسی، ابتدا تن به عمل نامشروع می‌دهند و بعد از بارداری، به راحتی دست به کشتن جنین می‌زنند، در حالی که «سقط جنین»، عملی نامشروع و از منظر فقه حرام است و جواز ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۵/۲۵۳).

بررسی فقهی و تربیتی

«سقط جنین» از منظر فقه یک رفتار غیرمشروع، خلاف نظر فقهای اسلامی و به دور از عقلانیت و اخلاق انسانی است؛ از این رو، اغلب موارد آن به صورت پنهانی و مخفیانه انجام می‌شود. بدین جهت بسیاری از موارد آن، در مطبوعات و رسانه‌ها گزارش نمی‌شود و این اندازه که در آمارهای رسمی آمده موارد عمدی، جنایی و علنی «سقط جنین» است. «سقط جنین» به طور کلی، آثار فقهی و پیامدهای تربیتی منفی زیادی به دنبال دارد که به برخی آنها اشاره می‌گردد: ۱. این کار عمل خلاف فقه، شریعت و اخلاق و منطق است که با هیچ عقل و فهم عرفی و فطرت انسانی، سازگاری ندارد و هر انسان سلیم العقل و دین‌باوری، «سقط جنین» را نمی‌پذیرد

وحاضر به انجام چنین عملی نیست (اسلامی، ۱۳۸۴: ۳۲۵). همه فقهای شیعه، به حرمت و منع فقهی آن فتوا داده‌اند (خویی، بی تا: ۲/۳۱۰). ۲. کاهش جمعیت، از اثرات نامطلوب «سقط جنین» در جامعه اسلامی است که این امر، به کاهش دانش آموزان و تربیت جویان منجر شده، زمینه نگرانی بسیاری از دلسوزان و مسئولان نظام را فراهم آورده است. ۳. آسیب‌های روحی و روانی بسیاری از ناحیه «سقط جنین» بر خانواده، قوم و فامیل و به خصوص مادر پدید می‌آید که ممکن است تا آخر عمر قابل درمان نباشد. ۴. رواج «سقط جنین» در یک جامعه مسلمان و پیرو فقه اسلامی به دور از شأن مسلمانی است و بدون دلیل موجه و قطعی فقهی، حتی یک مورد آن نباید اتفاق بیفتد. ۵. «سقط جنین»، ناشی از تربیت نادرست خانوادگی است که مرتکبان این عمل، به دور از آموزه‌های دینی، فقهی و اسلامی، پرورش یافته و فاقد بینش فقهی و عواطف انسانی بزرگ شده‌اند؛ و گرنه راضی به چنین کاری نشده و قتل نفس محترمه را مرتکب نخواهند شد. ۶. «سقط جنین»، هم خود معلول اشاعه فحشاست و هم عامل ترویج فحشا؛ چرا که بسیاری از مصادق جنین‌های سقط شده محصول روابط نامشروع زن و مرد و نیز، زمینه‌ساز استمرار عمل خلاف آنها می‌باشد.

گونه‌های «سقط جنین» از منظر فقه

«سقط جنین» از نظر فقه، انواع مختلف دارد و امروزه با روش‌های گوناگون انجام می‌شود و تقریباً همه آنها، حتی «سقط جنین» پدید آمده از زنا (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۵/۲۵۳)، به لحاظ فقهی، غیر مجاز و حرام است. با این وجود، موارد استثنا هم دارد که در صورت ضرورت، با شروط خاصی، اسقاط جنین در فقه جایز شمرده شده است. در این فراز از مقاله، به مهم‌ترین انواع «سقط جنین» از نظرگاه فقه به طور اختصار اشاره می‌گردد.

۱. سقط خودبه‌خودی

سقط غیر عمد، از جمله اقسام «سقط جنین» است که به صورت خودبه‌خودی و بدون دخالت کسی اتفاق می‌افتد و ممکن است مادر نیز، از وقوع آن مطلع نباشد. این نوع «سقط جنین»، به نظر فقها اشکال ندارد، چون عمدی در افتادن جنین در کار نبوده و در عرف جامعه

نیز، همین نوع «سقط جنین» در اذهان مردم متبادر است که جنین، در اثربیماری ناخواسته مادر یا عوامل غیر ارادی دیگر، قبل از تولد از رحم بیفتد. (رشیدپورایی، ۱۳۹۹) عوامل زیادی در واقع وجود دارند که براساس نظر پزشکان متخصص، در صورت عدم پیش‌گیری و درمان، موجب «سقط جنین» می‌شوند. دیابت بارداری، عفونت رحم، مصرف سگار و الکل، اختلالات انعقادی ژنتیکی و مانند آن، از جمله عوامل سقط خودبه‌خودی جنین به‌شمارند که در صورت مشاهده علائم، لازم است فوراً به پزشک مراجعه و درمان شود(نت).

بررسی فقهی و تربیتی

درباره حکم فقهی و تربیتی این قسم از «سقط جنین» گفتنی است که اولاً؛ درمان فوری بیماری مادر است که باید به پزشک حاذق متخصص مراجعه کند. ثانیاً؛ اگر منجر به «سقط جنین» شود، از نظر فقهی حرمتی صورت نگرفته، چون قصد و غرضی در میان نبوده است؛ البته احکام فقهی مترتب بر «سقط جنین» که در حقیقت مسائل زایمان زن است، باید مورد توجه مادر قرار گیرد و به آن عمل نماید (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷۱/۱). ثالثاً؛ پیشگیری و درمان، هر دو به لحاظ تربیتی، در چنین مواردی مؤثر است و باید قبل از وقوع حادثه، به مهار آن پرداخت؛ به‌ویژه از آنجاکه پیشگیری هم تأثیر بیشتری داشته و هم کم هزینه‌تر است، به خانواده‌ها توصیه می‌شود که از اوایل انعقاد جنین، مراقبت ویژه نسبت به حفاظت جنین اعمال کنند و بهتر است این مسائل، جزو برنامه‌های تربیتی خانواده قرار گیرد تا زنان و دختران جوان، کاملاً در جریان چنین پیش‌آمدهایی باشند (ابراهیمی‌پور، بی‌تا: ص ۵۵۹).

۲. سقط جنایی

این نوع «سقط جنین»، به نوبه خود اقسامی دارد و شامل هر نوع سقط عمدی قبل از موعد طبیعی، به وسیله مادر یا دیگری است؛ مانند کورتاژ، استفاده از داروهای اسقاط‌کننده، ضربه زدن یا ترساندن مادر و امثال آن. به‌طور کلی سقط‌هایی که از روی عمد انجام گیرد، از منظر فقه چه بوسیله پدر و مادر یا فرد سوم و چه با وسایل امروزی پزشکی و غیر آن، همه در زمره سقط جنایی و حرام قرار دارند (حاج علی، ۱۳۸۳: ۶۷). این نوع «سقط جنین»، امروزه با بهانه‌های واهی و بدون

دلیل موجه فقهی و شرعی، مانند ترس از خانواده و اقوام، بیم از فقر (اسرا: ۳۱) و مزاحم تلقی کردن بچه در زندگی و نظایر آن، به وفور انجام می‌گیرد که هیچ کدام جواز فقهی ندارد. چه اینکه خداوند در قرآن و همچنین فقهای اسلامی، مطلقاً از این کار نهی کرده‌اند: «وَلَا يَتَّخِذْنَ أَوْلَادَهُنَّ» (ممتحنه: ۱۲) مادران نباید فرزندان شان را بکشند و فقه هم به آنان اجازه این کار نداده است.

بررسی فقهی و تربیتی

«سقط جنین» جنایی، به لحاظ فقه و تربیت ۱. بدترین نوع سقط است که آثار منفی بسیاری به همراه دارد و هیچ توجیه فقهی و غیر فقهی برای آن وجود ندارد. زیرا از منظر فقه و عقل، کاملاً یک کار خلاف شریعت است که جزای مرتکبان آن به تصریح قرآن کریم جهنم می‌باشد (مایده: ۳۲). ۲. جرم و جنایت در فقه هرکدام متناسب با عمل مجرمانه مجازات خاصی دارد که در این مورد، در صورت فراهم بودن شروط، قصاص و در غیر آن، یقیناً باید دیه بپردازد (محقق، ۱۴۰۸ق: ۴/۲۶۶). ۳. اگر اسقاط کننده، شخص ثالث غیر از والدین باشد، از منظر فقه تجاوز به حریم خصوصی دیگران و نقض امنیت خانواده آنان است که جزای مستقلی برای مجرم باید در نظر گرفته شود (مجازات اسلامی). ۴. از جهت تربیتی و روانی، آسیب‌های شدیدی به خانواده و مخصوصاً مادر وارد می‌شود که ممکن است قابل جبران نباشد. ۵. ارتکاب و ترویج عمل مجرمانه مانند «سقط جنین» جنایی، بدآموزی دارد و هم به لحاظ فردی، خانوادگی و اجتماعی پیامدهای منفی مختلفی به وجود می‌آورد که لازم است مرتکبان آن به شدت نهی از منکر شوند. (احسانی، ۱۴۰۱: ۱۳۸)

۳. سقط درمانی

این نوع سقط، مجرمانه نیست، بلکه دلیل درمانی دارد و در موارد خاصی، مانند به خطر افتادن جان مادر، به نظر بعضی فقها پیش از دمیدن روح، جایز است. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۹۱/۳) همچنین در صورت ناقص الخلقه بودن جنین و معیوب بدنیا آمدن آن، به نظر برخی دیگر از فقیهان، سقط قبل از دمیدن روح، از نظر فقهی منعی ندارد. (فیاض، بی تا: ۴۴۰/۳) زیرا

۱. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِيمَانٍ؛ از بیم تنگدستی فرزندان خود را نکشید».

این قسم از سقط جنین، به انگیزه تأمین سلامت مادر و پیش‌گیری از ناقص متولد شدن جنین است که یقیناً در صورت تولد، برای والدین ایجاد عسر و حرج شدید می‌کند. البته در همه این گونه موارد از لحاظ فقهی، کسب نظریه طبیب متخصص لازم است (خویی، بی تا: ۱۳/۲)، وگرنه بدون موافقت سه پزشک متخصص، جواز سقط صادر نمی‌شود. البته از نظر قانون جمهوری اسلامی ایران که در شورای اسلامی به تصویب رسیده، در دو مورد پیش گفته، تنها «سقط جنین» به علت نجات جان مادر عنوان درمانی پیدا می‌کند، نه برای پیش‌گیری از تولد بچه معیوب؛ چون هنوز (پیش از دمیده شدن روح)، انسانی شکل نیافته تا درمان شود، با این وجود، بعضی از فقها، به جواز چنین سقطی، فتوا داده‌اند. (جمعی از نویسندگان، ص ۱۵)

بررسی فقهی و تربیتی

سقط درمانی از منظر فقه و فتوای فقیهان قبل از دمیدن روح، یعنی پیش از چهار ماهگی جنین با شروط لازم، بالاتفاق جایز است (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۵/۲۵۳)؛ چون در این صورت، نجات جان مادر بر حفظ جنینی که هنوز روح در آن دمیده نشده، اولویت دارد، ولی بعد از دمیدن روح اتفاق نظر میان فقها وجود ندارد، بلکه مورد اختلاف آنهاست. آیت الله مکارم شیرازی، این مورد را از موارد مشکله شمرده که نظر قطعی نمی‌توان درباره آن ارائه داد، چون دو نفس محترمه هستند و هیچ ترجیحی میان آنها وجود ندارد (مکارم، ۱۳۸۰: ۱/۲۹۴). آیت الله خویی در صورت عدم رجحان هیچ کدام بردیگری، قائل به تخییر مادر، میان حفظ جان خود با «سقط جنین» یا نگهداشتن جنین، با از دست دادن جان خودش شده است (خویی، بی تا: ۱۳/۲).

از منظر تربیتی می‌توان در این مورد مباحث زیادی را مطرح کرد، ولی به علت پرهیز از اطاله کلام، تنها به این نکته تربیتی اشاره می‌شود و آن اینکه هر چند به نظر بعضی از فقها، ترجیح فتوایی بین حفظ جنین و نجات جان مادر وجود ندارد، ولی از نظر دانش تربیت و آثار تربیتی، اعم از آثار مثبت و منفی، میان این دو، تفاوت قابل توجهی وجود دارد. این تفاوت از قاعده اصولی اهم و مهم که در جای خود بیان شده، قابل استفاده است (مکارم، ۱۴۲۸: ۱/۵۸۴)؛ بر این اساس از حیث تأثیرات تربیتی، نجات جان مادر اولویت پیدامی‌کند. با توجه به اینکه هرگاه

جنین از بین برود، به غیر از مادر، آسیبی کمتری به خانواده و اعضای آن وارد می‌شود، اما اگر مادر از بین برود و فرزندان دیگری در خانه باشند، یقیناً تحمل بی‌مادری برای آنان بسیار مشکل خواهد بود، به علاوه زن در واقع رکن اساسی نهاد خانواده است و بافوت او این نهاد از هم می‌پاشد، همچنین از دست دادن همسر آسیب‌های جدی روانی، مالی و خانوادگی به مرد وارد می‌کند که به‌سختی قابل جبران خواهند بود، اما اگر جان مادر حفظ شود، افزون بر اینکه این آسیبها وارد نمی‌شود، آثار مثبت فراوان دیگر تربیتی مانند تربیت فرزندان و اداره خانواده بر آن مترتب است که در مجموع می‌توانند رجحانی برای حفظ مادر باشند (بهشتی، ۱۳۸۲: ۲۷۰).

موارد جواز فقهی «سقط جنین»

در مورد جواز «سقط جنین» در فقه اسلامی و شرع مقدس، سخت‌گیری‌های بسیار صورت گرفته و به‌طور کلی کسی حق ندارد بدون دلیل قطعی، اقدام به انجام آن کند. آنچه از نظر فقها مورد توافق است، حرمت و منع «سقط جنین» به نحو مطلق است؛ یعنی از حین انعقاد نطفه و تشکیل تخم بارور در رحم مادر تا تولد فرزند، نباید کسی به جنین آسیب برساند (خویی، بی‌تا: ۳۱۰/۲؛ حکیم، ۱۴۱۷ق: ۴۳۲/۱). در عین حال بعضی از فقها، تنها در شرایط خاص، قبل از دمیدن روح که بنا بر مشهور، در چهار ماهگی است (کرکی، ۱۴۱۴ق: ۴۰۶/۱) به جواز آن فتوا داده‌اند (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ۱۷۳). به عنوان مثال، در مورد حفظ سلامت مادر و پیش‌گیری از تولد نوزاد ناقص الخلقه قبل از دمیدن روح، چنان‌که اشارت رفت، اگر سه پزشک متخصص نظر قطعی دادند که با اسقاط جنین، سلامت مادر تأمین می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۴) و همچنین در صورت عدم اسقاط، نوزاد ناقص الخلقه به دنیا می‌آید، در این دو صورت که جنبه درمانی و پیش‌گیری دارند، سقط جایز است (رستمی، ۱۳۹۲: ۸۹). همچنین به نظر برخی فقها «سقط جنین» نامشروع، قبل از دمیدن روح برای حفظ جان مادر از ناحیه بستگان و مصونیت آبروی خانواده هم، جایز است (خویی، ۱۴۳۲ق: ۲۳۲/۱).

بررسی فقهی و تربیتی

درباره سه مورد پیش‌گفته از نظر فقهی - چنان‌که اشاره شد - روشن است و بعضی فقها فتوا به جواز سقط فتوا داده‌اند، ولی با این حال، از منظر فقه و تربیت جانب احتیاط را نباید از دست

داد، بلکه اگر چنین مواردی پیش آمد لازم است در انجام سقط کمال احتیاط رعایت شو؛ چراکه احتیاط عامل نجات انسان است (حسینی، ۱۳۸۱). نکته قابل توجه دیگر اینکه حتی در جواز «سقط جنین» به صورت محدود دقت‌های نظری و تربیتی در فقه اسلامی و فتاوی فقها مدنظر قرار گرفته است. از باب نمونه جواز سقط در موارد یادشده، مشروط به نظر قطعی سه پزشک متخصص شده و بدون یکی از آنها، جواز منتفی می‌شود (اسلامی، ۱۳۸۴).

از طرفی با این وجود، به نظر برخی فقها در صورت جواز هم، دیه «سقط جنین» بر سقط کننده واجب است و باید پرداخت کند (خویی، ۱۴۳۲ق: ۱/۲۳۰). این دقت‌های فقهی و علمی در باب «سقط جنین»، در حقیقت حاکی از این نکته تربیتی است که هدف عمده فقه و تربیت، پیشگیری از شیوع آن در جامعه است. چون اولاً؛ سقط به منزله از بین بردن زمینه تولد انسانی است که اگر دنیا بیاید ممکن است منشأ تحول عظیم دینی و معنوی جامعه شود. ثانیاً؛ اثرات روانی و اجتماعی منفی مختلفی بر آن، مترتب می‌باشد.

احکام فقهی سقط جنین

«سقط جنین»، همان گونه که پیش از این اشارت رفت، یک موضوع چند بعدی است و از نظر فقهی، دارای احکام مختلف شرعی و حقوقی است که به طور مختصر اشاره می‌شود.

حرمت قطعی

نخستین حکم فقهی مترتب بر «سقط جنین»، حرمت فقهی و شرعی آن است مطلقاً (نجفی، ۱۳۶۲: ۸/۴۲). هرکس عمداً مرتکب چنین کاری شود، قبل از دمیدن روح گناه کبیره (سیستانی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۵/۳) و بعد از نفخ روح، قتل نفس را (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۸۱/۴۳) مرتکب شده که عذاب او جهنم است (نساء: ۹۳).

قصاص

«سقط جنین» عمداً، بعد از دمیدن روح (چهار ماهگی)، به نظر اکثر فقیهان، موجب قصاص است و برای فرد اسقاط کننده، حکم قصاص ثابت می‌شود (سلار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۲؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶)؛ چرا که سقط جنین بعد از نفخ روح، موجب خروج روح

از جنین و مصداق قتل نفس می‌باشد. در این صورت، اطلاق ادله ثبوت قصاص، از آیات و روایات و احکام فقهی، آن را شامل است (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۹/۱۱۲).

کفاره

درباره «سقط جنین» هرگاه پیش از دمیدن روح، یعنی قبل از چهار ماهگی باشد، هر چند سقط کننده کار حرام را مرتکب شده، ولی به نظر فقهای شیعه، کفاره بر او واجب نیست (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۳/۳۶۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۹/۳۱۶). اما اگر سقط پس از دمیده شدن روح در جنین باشد، کفاره بر او واجب می‌شود. چون مصداق قتل نفس است و قاتل نفس محترمه، افزون بر قصاص، کفاره هم دارد (خویی، بی تا: ۲/۴۰۹). بنا به نظر فقها، کفاره «سقط جنین» همان کفاره قتل عمد است، یعنی در درجه اول آزاد کردن ۶۰ برده و در صورت عدم امکان، دو ماه روزه و در درجه سوم اطعام شصت فقیر (الموسوعه الفقهیه، ۱۴۲۳: ۴۰۲/۵).

دیه

«سقط جنین» افزون بر اینکه حرام است، دیه نیز، دارد و بر اسقاط کننده واجب است که آن را بپردازد. هرکدام از مراحل رشد جنین که در قرآن ذکر شده (مؤمنون: ۱۲-۱۴) دیه خاصی دارد و در صورت سقط در هر مرحله، دیه آن مرحله را، باید پرداخت کند (فرهنگ فقه فارسی، ۱۳۸۷: ۴/۴۸۹). دیه «سقط جنین» به لحاظ فقهی، به شرح زیر است: «نطفه» ۲۰ دینار، (خمینی، ۱۳۹۰ق: ۲/۵۹۷) «علقه» ۴۰ دینار، (همان) «مضغه» ۶۰ دینار، (مفید، ۱۴۱۰: ۷۴۲) «عظام» ۸۰ دینار، (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۳/۳۵۶)، «جنین کامل» پیش از دمیدن روح، ۱۰۰ دینار و بعد از دمیدن روح، دیه انسان کامل، یعنی هزار دینار (خمینی، پیشین). در دیه «سقط جنین» در مراحل یادشده از نظر امام خمینی، فرقی بین دختر و پسر وجود ندارد (همان). اما بیشتر فقها در مرحله اخیر که بعد از دمیدن روح باشد، بین آن دو فرق قائل شده اند؛ اگر جنین پسر باشد، دیه کامل، یعنی هزار دینار و اگر دختر باشد، نصف دیه، یعنی ۵۰۰ دینار باید بدهد (نجفی، پیشین؛ وحیدخراسانی، بی تا: ۳/۵۹۷).

بررسی فقهی و تربیتی

احکام فقهی «سقط جنین»، یعنی حرمت آن، تعمیم دارد، که هر نوع اسقاط، همه افراد اعم

از پدر و مادر، باهر وسیله اسقاط و تمامی مراحل رشد جنین را شامل است. این امر، نشان دهنده حساسیت موضوع از دیدگاه اسلام و فقه اسلامی است که هیچ مورد «سقط جنین» را از نظر دور نداشته، بلکه حکم فقهی و تربیتی همه موارد آن را، به روشنی بیان کرده است.

از احکام «سقط جنین» نکات ذیل قابل استفاده است که به لحاظ تربیتی شایسته توجه ودقت است: ۱. به کارگیری روش انذار و تنبیه در بیان احکام فقهی سقط جنین؛ چراکه جنبه کیفری احکام «سقط جنین» مثل کفاره، دیه و قصاص، در کنار حکم به حرمت آن، استفاده از روش تربیتی انذار و تنبیه در آموزه های دینی و اخلاقی است که تأثیر بازدارندگی بیشتری بر مخاطبان دارد (انصاری، ۱۳۹۲: ۵۴۹/۱). ۲. انداختن جنین، تنها در موارد معدودی که شاید مصداق چندانی در جامعه پیدا نکند، به لحاظ فقهی جایز شمرده شده، آن هم با ایجاد محدودیت هایی مانند موافقت قطعی سه متخصص پزشک در موضوع طبی و آینده جنین (اسلامی، ۱۳۸۴) که تقریباً تحصیل مجوز سقط را بامشکل مواجه می کند. ۳. احکام فقهی سقط در حقیقت، هشدار است به زنان و مردان و مخصوصاً دختران جوان که مبادا در اثر عوامل انحرافی در دام وسوسه گران «سقط جنین» بیفتند. ۴. کیفرهای تعیین شده برای «سقط جنین» تنها مجازات دنیایی عاملان سقط است و جزای اخروی آنها یقیناً در قیامت بسیار شدیدتر خواهد بود.

جمع بندی

آنچه در این مقاله ذکر شد، ضمن پاسخ به سؤال های تحقیق به نکات مهم فقهی و تربیتی رهنمون گردید که توجه به آنها در موضوع «سقط جنین» هدایت گر است. در مجموع «سقط جنین» از نظر اسلام، قرآن و فقه اسلامی، عملی بسیار ناپسند و ضد دینی و انسانی است که جز در موارد اندک جواز ندارد. معلوم شد که در «سقط جنین» عوامل مختلف درونی و بیرونی مؤثرند که لازم است در تربیت خانوادگی از بروز آن عوامل پیش گیری شود تا وقتی نسل جوان به مرحله ازدواج رسیدند، دست به چنین کاری نزنند. با این وجود، براساس گزارشهای آماری «سقط جنین» در جهان و کشورهای اسلامی حتی ایران در این اواخر رو به افزایش نهاده، از این رو بر همه عالمان، مریبان، مبلغان، اهل قلم و کسانی که می توانند نقشی داشته باشند، واجب است در جهت هدایت جامعه به سوی قطع کامل مشکل «سقط جنین» از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

کتابنامه

- * قرآن کریم، ترجمه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۸.
۱. ابراهیمی پور، قاسم و همکاران، شاخصهای خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، تهران، مرکز بررسیهای راهبردی ریاست جمهوری و پژوهشگاه بین المللی المصطفی، بی تا.
 ۲. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی، اجوبة الاستفتائات، کویت، دار النبأ، اول، ۱۴۱۵ق.
 ۳. احسانی، محمد، الگوی تعامل با مخالفان بالهام از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی، ۱۴۰۱.
 ۴. احسانی، محمد، نظام تربیتی از منظر آیت الله خامنه‌ای، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۴۰۲.
 ۵. اسلامی، علیرضا و همکاران، «حفظ تن و حرمت اضرار به نفس از منظر فرهنگ و سلامت (با تأکید بر کتاب مفاتیح الحیات)»، فصلنامه پژوهشهای کاربردی، تهران، شماره ۸، ۱۴۰۱.
 ۶. اسلامی، حسن، «رهیافت‌های اخلاقی به سقط جنین، یک بررسی موردی»، فصلنامه باروری و ناباروری، ۱۳۸۴.
 ۷. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق، ۱۳۹۱.
 ۸. امام خمینی، روح الله، استفتائات، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۷۲.
 ۹. امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیلة، نجف اشرف، دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۰ق.
 ۱۰. امام خمینی، روح الله، استفتائات، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۷۲.
 ۱۱. انصاری، قدرت الله، احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، ۱۳۹۲.
 ۱۲. برقی، احمد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
 ۱۳. بناری، علی همت، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
 ۱۴. بناری، علی همت، «درآمدی بر تحلیل تربیتی احکام فقهی عرصه‌ای نو در تعلیم و تربیت اسلامی»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۷، ۱۳۹۶.

۱۵. بهشتی، احمد، *خانواده در قرآن*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۶. پالمر، مایکل، *مسائل اخلاقی*، ترجمه: علیرضا آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
۱۷. تبریزی، جواد، *صراط النجاة*، قم، مؤسسه سلمان فارسی، ۱۴۱۶ق.
۱۸. جمعی از نویسندگان، *سقط درمانی و کاهش جنین از منظر پزشکی، فقهی، حقوقی و اخلاقی*، تهران، سمت، ۱۳۹۳.
۱۹. حاجی علی و فریبا، «*سقط درمانی و آسیب شناسی اجتماعی آن*»، مجله مطالعات زنان، قم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۳.
۲۰. حمیدی، مهدی، «*اضرابه نفس در مصرف مواد مخدر از دیدگاه قرآن و فقه امامیه و اهل سنت*»، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی پژوهشهای مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱۳۹۹.
۲۱. حکیم، عبدالهادی، *الفتاوی المیسرة*، فائق الملونه، ۱۴۱۷ق.
۲۲. خبرگزاری همشهری آنلاین، کدخبر: ۱۷۶۸۵۴۱، (۱۴۰۲/۲/۳۱).
۲۳. خویی، سیدابوالقاسم، *احکام جامع مسایل پزشکی*، قم، دارالصدیقه الشهیده، ۱۴۳۲ق.
۲۴. خویی، سیدابوالقاسم، *المسائل الشرعية*، قم، مؤسسه الخوئی الاسلامیه، خویی، بی تا.
۲۵. خوئی، سیدابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، قم، مطبوعه مهر، بی تا.
۲۶. خویی، سیدابوالقاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام خوئی، بی تا.
۲۷. رستمی، سحر و همکاران، «*بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*»، فصلنامه تاریخ پزشکی، شماره ۱۷، ۱۳۹۲.
۲۸. رشیدپورایی، مینا و همکاران، «*بررسی قوانین و مقررات سقط جنین در ایران و اروپا در همه گیری کووید ۱۹*»، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، شماره ۵، دوره ۳۳، ۱۳۹۹.
۲۹. سبزواری، عبدالاعلی، *مهذب الاحکام*، قم، انتشارات دارالتفسیر، ۱۴۱۳ق.
۳۰. سلار دلمی، حمزه، *المراسم فی فقه الامامی*، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.
۳۱. سلطانی نسب، رضا، *جنین شناسی انسان: بررسی تکامل طبیعی و غیر طبیعی انسان*، تهران، ۱۳۵۶.
۳۲. شاه عبدالعظیمی حسینی، حسین، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳.
۳۳. شیخ مفید، *المقنعة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.

۳۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، *استفتائات پزشکی*، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
۳۵. عبدی، صفرعلی و همکاران، «*بررسی احکام شرعی سقط جنین*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ارتش»، مجموعه مقالات دومین همایش بررسی احکام ضوابط شرعی در پزشکی، ۱۳۹۲.
۳۶. عرفانی، امیر و جواد شجاعی، «*شواهد تازه از سقط جنین عمدی در شهر تهران: میزان‌ها، دلایل و تغییرات*»، مجله زنان نازایی و مامایی، دوره ۲۱، شماره ۳، ۱۴۰۱.
۳۷. علیدوست، ابوالقاسم، *فقه و مصلحت*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۳۸. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، *العروة الوثقی*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۹. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۴ق.
۴۰. کاردان، علیمحمد و همکاران، *فلسفه تعلیم و تربیت*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۴۱. کرکی، حسین بن عبدالعالی، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل‌البیت، چهارم، ۱۴۱۴ق.
۴۲. گلپایگانی، محمدرضا، *ارشاد السائل*، بیروت، انتشارات دارالصفوه، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، قم، ۱۴۰۵.
۴۴. فیاض، محمد اسحاق، *توضیح المسائل*، قم، صاحب الامر، ۱۳۹۳.
۴۵. فیاض، محمد اسحاق، *منهاج الصالحین*، مکتب سماحه آیه الله الحاج الشیخ محمد اسحاق الفیاض، بی‌تا.
۴۶. فیومی، محمد بن علی، *المصباح المنیر*، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۴۷. *قانون مجازات اسلامی*، مصوب ۱۳۹۲، کتاب اول تا چهارم- کلیات، حدود، قصاص و دیات.
۴۸. *ماده واحده قانون سقط درمانی*، مصوب ۱۳۸۴/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی.
۴۹. محقق حلی، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵۰. محقق داماد، مصطفی، «*تحقیقی در مورد سقط جنین، عوارض، مسایل و موضوعات پیرامون آن*»، مجموعه مقالات اخلاق پزشکی، مسائل مستحدثه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، ۱۳۷۳.

۵۱. محقق حلی، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵۲. مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، *مسائل مستحذته*، جلد پنجم، تهران.
۵۳. معزی، معصومه وهمکاران، «بررسی فراوانی و عوامل خطر ناهنجاری های مادرزادی در معلولین زیر ۱۵ سال ثبت نام شده در بهزیستی شهرکرد»، مجله پرستاری کودکان، شهرکرد، دوره ۶، ش ۴، ۱۳۹۹.
۵۴. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات سُرایش، ۱۳۸۷.
۵۵. مکارم، ناصر، *انوارالاصول*، تهیه و تنظیم: احمد قدسی، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، *بحوث فقهیه هامة*، قم، مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، اول، ۱۳۸۰.
۵۷. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، *الموسوعة الفقهية*، قم، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳ق.
۵۸. نجفی، محمدحسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، هفتم، ۱۳۶۲.
۵۹. نراقی، ملا احمد، *معراج السعادة*، قم، آئین دانش، ۱۳۹۴.
۶۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، تصحیح اسماعیل بن احمد طرابلسی، ترکیه، استانبول، دارالتباعة العامره، ۱۳۳۴ق.
۶۱. وحید خراسانی، حسین، *منهاج الصالحین*، قم، مدرسة الإمام باقر العلوم (علیه السلام)، بی تا.
۶۲. الیزات فاکس جنوز، «*زنان و آینده خانواده*»، مجموعه مقالات فینیسیم و خانواده، ترجمه محمد تراهی، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶.
۶۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبری KHAMENEI.IR.
۶۴. <https://gahvare.net/articles>.
۶۵. <https://www.tasnimnews.com/fa>.